

## چهل وهشت بیت نویافته از جمال‌الدین اصفهانی

احمد بهنامی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی  
ahmadbehnam@yahoo.com

دیوان جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی نخستین بار در ایران توسط ادیب نیشابوری در سال ۱۳۱۰ ش به چاپ رسید. پس از آن مرحوم مغفور حسن وحید دستگردی در سال ۱۳۲۰ ش این دیوان را با استفاده از ۱۰ نسخه خطی تصحیح و منتشر ساخت. دستگردی بر این دیوان مقدمه‌ای بسیار مختصر و البته مفید نگاشته است، ولی متأسفانه در این مقدمه به شیوه تصحیح خود کوچک‌ترین اشاره‌ای ندارد و نسخه‌های مورد استفاده را نیز به خوبی معرفی نکرده است. وی درباره دیوان جمال‌الدین اصفهانی می‌نویسد:

دیوان استاد جمال‌الدین دستخوش سقط و تحریف و تقلیل فراوان شده و بدین سبب از بیست هزار بیت شعری به قول بعضی از تذکره‌نویسان، با تمام کوشش‌های چندین ساله ما بیش از ده هزار بیت جمع‌آوری نشد. بسیاری از قصاید را محسوس می‌بینیم که ابیات بسیار از آن افتاده و رشته مطالب از هم گسیخته است. مثلاً در یک نسخه کهن سال هر غزلی نصف یا ثلث شده و از هر قصیده ربع یا خمس آن نگاشته شده است و عجب این است که انتخاب‌کننده نادان ابیات بسیار بلند را نپسندیده و حذف کرده و ابیات دیگر را برگزیده است و اکنون در هیچ دیوان خطی بالاتر از چهار یا پنج هزار بیت دیده نمی‌شود یا مانده‌ایم. تنها دیوانی که ما به دستیاری و زحمات یگانه شاعر استاد آقای عبرت مصاحبی نائینی جمع‌آوری کرده‌ایم در حدود ده هزار بیت است و پس از دو سه سال تصحیح و مقابله با ده نسخه کهن و تازه اینک به چاپ رسیده. (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۲۰: ۱۲۰)

دستگردی پس از این به معرفی نسخ مورد استفاده خود

پرداخته و گفته است:

از این ده نسخه که مورد استفاده واقع شده‌اند چهار نسخه کهن سال مخصوص کتابخانه ارمغان است. (همان)

البته دیوان جمال‌الدین اصفهانی که وحید دستگردی به چاپ رسانده است، نه ده هزار بیت، بلکه کمتر از ۹۰۰۰ بیت در بردارد. دستگردی ابتدا از «کوشش‌های چندین ساله» خود یاد کرده است و چند سطر بعد آن را به «دو سه سال تصحیح و مقابله» تقلیل داده است. وی هیچ توضیحی درباره خصایص نسخه‌های مورد استفاده اش نمی‌دهد و تنها از این نسخه‌ها با عنوان «بسیار کهن سال» یاد می‌کند. مراجعه به فهرست‌ها و فهرست‌واره‌های نسخه‌های خطی، نظیر دنا، نشان می‌دهد که قدیم‌ترین نسخه‌های دیوان جمال‌الدین اصفهانی، از سده دهم پیشتر نمی‌روند و تنها عکس یک نسخه متعلق به سده هفتم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، که آن هم ۶ برگ بیشتر ندارد. لذا ادعای «بسیار کهن سال» بودن نسخه‌های مورد استفاده، از جانب مرحوم دستگردی، محل شک است.

### نسخه آستان قدس دیوان جمال‌الدین اصفهانی

با توجه به آنچه گفتیم، ذکر عنوان «کهن سال» درباره نسخ خطی دیوان جمال‌الدین اصفهانی، چندان معنایی ندارد. از میان نسخ دیوان جمال‌الدین اصفهانی، نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد، که از قدیم‌ترین نسخ دیوان اوست، و از آنجا که فهرست‌نویسان تاریخ آن را سده دهم قمری تخمین زده‌اند، در حدود ۳۰۰ تا ۴۲۰ سال پس از درگذشت جمال‌الدین کتابت شده است. از آنجا که این نسخه در تصحیح دیوان جمال‌الدین اصفهانی بسیار به کار می‌آید، مشخصات آن را از روی عکسی که کتابخانه آستان قدس رضوی در اختیار نگارنده این سطور قرار داده است، بیان می‌کنم:

شماره نسخه در بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۰۳۱۲ است. ۱۴۵ برگ دارد، که برگ ابتدایی آن بیاض (سفید) است. ابتدای نسخه و انتهای آن افتاده است. هیچ ترقیمه یا یادداشتی ندارد که اشاره‌ای به تاریخ کتابت یا محل کتابت و... داشته باشد. خط آن نستعلیق خوانا است و به نظر می‌رسد در اواخر سده دهم قمری کتابت شده باشد. این نسخه مجدول

است و صفحات آن دوستونی است (هر سطر یک بیت). هر صفحه ۱۷ سطر دارد و عناوین اشعار به شنگرف (سرخ) نوشته شده است. هر عنوان، جای یک بیت را اشغال کرده است. به این ترتیب، می‌توان شمار ابیات این نسخه را تخمیناً بین ۴۶۰۰ تا ۴۷۰۰ بیت دانست. کاتب پ و چ را با یک نقطه و گ را با یک سرکج نوشته است.

از نظر زبانی نشانه‌هایی در این نسخه وجود دارد که ثابت می‌کند مادر نسخه آن بسیار کهن بوده است. از جمله ضبط واژه‌هایی نظیر کاج (به جای صورت جدیدتر کاش) و داد (به جای صورت جدیدتر زاد). به نظر می‌رسد این نسخه، با توجه به قدمت نسبی و ویژگی‌های آن، در تصحیح دیوان جمال‌الدین اصفهانی باید یکی از نسخه‌های اصلی باشد.

اما جنبه دیگر اهمیت این نسخه، اشمال آن بر ابیاتی از جمال‌الدین اصفهانی است که در طبع وحید دستگردی و ادیب نیشابوری وجود ندارد. نگارنده این مقاله، با بررسی دقیق این نسخه، این ابیات را استخراج کرد و در اینجا ذکر می‌کند. بسیاری از این ابیات، ابیاتی عالی و استوارند و، در بیشتر موارد، در محور عمودی قصیده نقش اساسی دارند. نشانه نسخه آستان قدس رضوی در ابیات منقول در این مقاله است. در این یادداشت، به ابیاتی که در نسخه آ و چاپ ادیب نیشابوری هر دو آمده، ولی در چاپ دستگردی نیامده است اشاره‌ای نمی‌شود.

۱. در قصیده‌ای به مطلع «ای کرده تو بر ملک تکبر/ وی کرده فلک به تو تفاخر» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۷۱) پس از بیت:

زانصاف تو آهوی سبکدل  
برشیرهمی‌کنند تنمّر

در آ (ص ۵۵) آمده است:

وز عدل تو کبک تیزرفتار  
بربازهمی‌کنند تجسّر

۲. در قصیده‌ای به مطلع «بنگرید این چرخ و استیلای او/ بنگرید این دهر و این ابنای او» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۳۱۴؛ همو، ۱۳۱۰: ۱۶۵) که در مدح امیر شهاب‌الدین خالص سروده شده است، پس از بیت:

چرخ را یکروزه خرج جود اوست  
حاصل من‌ذلك و منهای او  
در آ (ص ۲۲۳) آمده است:

در جهان عقل، ارباب عقول  
کشته رای جهان‌آرای او

۳. در قصیده‌ای به مطلع «زهی عالی بنا و قصر معمور/ که باد آفات دهر از ساحت دور» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۸۱؛ همو، ۱۳۱۰: ۶۳) پس از بیت:

اگر عدلت ز ندبر چرخ بانگی  
نماند کس ز دور چرخ رنجور

در آ (ص ۲۵۴) آمده است:

نسیم لطفت ار در مهر جستی  
صبا معلول ماندی شمس محرور

۴. در قصیده‌ای به مطلع «با کلک تو از گهر چه خیزد/ بالفظ تو از شکر چه خیزد» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۴۹) که قصیده بسیار مشهوری است که در جواب شعر اثیرالدین ابهری گفته شده است، پس از بیت:

گرچه ز توام چنانکه گفستی  
کز طبع تو جز گهر چه خیزد

در آ (ص ۲۴۸) آمده است:

با منظومی چو در مشور  
پیداست کز این جگر چه خیزد

۵. در قصیده‌ای به مطلع «عشق باری دیگرم در تحت فرمان یافته‌ست/ جان به شکلی دیگرم در دست جانان یافته‌ست» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۷۱) که مصرع اول آن در طبع وحید دستگردی چنین است: «عشقبازی دیگرم در تحت فرمان یافته است» اما با توجه به ضبط آ و سیاق سخن، نگارنده صورت پیش گفته را پیشنهاد می‌دهد، پس از بیت:

آتش خشمت زبانه چون سوی بالا کشید  
نسر طایر بر فلک چون مرغ بریان یافته‌ست

در آ (ص ۲۱۲) آمده است:

همتت چون ارتفاع علو کرده‌ست اطلاع  
هفت گردون را چنان تخم سپندان<sup>۱</sup> یافته‌ست

۶. در قصیده مشهوری که جمال‌الدین خطاب به خاقانی  
شروانی سروده است، به مطلع «کیست که پیغام من به شهر  
شروان برد/ یک سخن از من بدان مرد سخندان برد»  
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۸۵؛ همو، ۱۳۱۰: ۴۵) پس از بیت:

گر بشدی عنصری، زنده در ایام من  
والله از دست من مشکل اگر جان برد

در آ (ص ۱۸۷) آمده است:

هر آنکه در عهد من به شعر دعوی کند  
از پی ریشش فلک گوز فراوان برد

۷، ۸. در قصیده‌ای به مطلع «زهی موافق رای تو جنبش  
تقدیر/ به دست بخت جوانت عنان عالم پیر» (جمال‌الدین  
اصفهانی، ۱۳۲۰: ۱۷۷) دو بیت در آ (ص ۱۵۹) آمده است که  
در طبع وحید دستگردی نیست. نخست، پس از بیت:

هر آنچه بیش فزاید کم است قدر عدو  
فزونى عدویت همچو یاست در تصغیر  
آمده است:

فنون علم تو را حاصل است جز یک چیز  
که نیستی به شمار زر ایچ گونه بصیر  
و پس از بیت:

چو هست پیش در تو فغان مظلومان  
چنان مکن که کنند از تو کان و بحر نفیر  
آمده است:

چنان که هست نکوهیده بخل نزد کرام  
به اتفاق پسندیده است این تدبیر

۹. در قصیده‌ای به مطلع «درآمد از درم آن یار بر رخان  
آتش/ مرا فتاد چو پروانه در روان آتش» (جمال‌الدین  
اصفهانی، ۱۳۲۰: ۲۰۱) پس از بیت:

ز شرم آن کف گوهر فشانت ابر همی  
به جای اشک ببارد ز دیدگان آتش

در آ (ص ۱۴۸) آمده است:

چو دشمنان تو میرد همی ز گرسنگی  
که با کف تو شبی کرد زرفشان آتش  
نکنه قابل توجه این است که در چاپ ادیب نیشابوری،  
(احتمالا به پیروی از نسخه مورد استفاده) دو بیت بالا تبدیل به  
یک بیت شده است!

۱۰. در قصیده‌ای به مطلع «بهار امسال خوشتر می نماید/ که  
از صدگونه زیور می نماید» (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰:  
۱۳۱؛ همو، ۱۳۱۰: ۳۶) پس از بیت:

مگر از صدر رکن‌الدین بیاموخت  
که حجت‌ها ز دفتر می نماید

در آ (ص ۱۲۶) آمده است:

بلنداختر خداوندی که قدرش  
فراز چرخ اخضر می نماید

۱۱، ۱۲. قطعه زیر در آ (ص ۲۷۴) هست ولی در طبع وحید  
دستگردی نیامده است:

کرم هر کسی اندر خور او باشد از آنک  
در حق خواجه همان است که در حق رهی

کرم من چه بود؟ آنکه نخواهم ز توهیچ  
کرم تو چه بود؟ ز آنکه نخواهم بدهی<sup>۲</sup>

۱۳-۴۷. در طبع وحید دستگردی (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰:  
۳۳۷)، قصیده‌ای به مطلع زیر وجود دارد:

زهی اخلاق تو محمود همچون عقل و دانایی  
زهی ایام تو مشکور همچون عهد برنایی

این قصیده در این طبع، تنها یازده بیت دارد. وحید  
دستگردی، در پاورقی پس از بیت هفتم قصیده، گفته است:

در اینجا از این قصیده ابیات بسیاری افتاده است و در نسخ  
ما به دست نیامده. (همان: ۳۳۸)

خوشبختانه در آ (ص ۱۰۳-۱۰۶)، ۳۴ بیت دیگر از این  
قصیده ضبط شده است. البته وحید دستگردی، محل  
افتادگی را به درستی تشخیص نداده است، لذا این

۲. اصل: زآنکه بخوام ندهی.

۱. اصل: سپیدان.

قصیده را به‌طور کامل از آ در اینجا می‌آوریم، تا خوانندگان خود آن را با چاپ وحید مقایسه کنند. در ضمن در نسخه آ، در این قصیده برخی ابیات آشفته به نظر می‌رسند. ابیات موجود در طبع وحید دستگردی را با علامت ستاره مشخص کرده‌ایم، اما ضبط ابیات بر اساس آ است.

- \* زهی اخلاق تو محمود همچون عقل و دانایی
- \* زهی ایام تو مشکور همچون عهد برنایی
- \* امام شرق رکن‌الدین که سوی حضرتت دایم
- \* خطاب انجم و چرخ است مولانا و مولایی
- \* اضافت با کف رادت<sup>۱</sup> ز گیتی گنج‌پردازی
- \* مفوض با سر کلکت ز گردون ملک‌پیرایی
- \* تویی کاندلر قضا همچون قضا هر روز و هر ساعت
- \* هزاران خسته بنوازی هزاران بسته بگشایی
- \* تو را از جود و از حکم<sup>۲</sup> آفرید ایزد تعالی زآن
- \* که تا بر دوست و بر دشمن ببخشی و ببخشایی
- \* ۱۱۰۴ چو گردون از پی آرامش عالم نیارامی
- \* چو خورشید از پی آسایش مردم نیاسایی
- \* تویی شایسته در دست سپاه شرع بایسته (؟)
- \* چنانکه<sup>۳</sup> اندر سواد عین بایسته است بینایی
- \* تو را آن حسن تدبیر است و خلق خوش که گر خواهی
- \* دوار از چرخ برگیری کلف از ماه بر بایی
- \* تو بتوانی که برگیری ز گیتی ننگ درویشی
- \* تو بتوانی که برداری ز گردون عمر فرسایی
- \* نبیند<sup>۴</sup> منت خورشید گه پیدا و گه پنهان
- \* اگر رایست کند تقلید شغل عالم‌آرایی
- \* چنان شد مطلع رای تو بر اسرار پوشیده
- \* که از وی هست بر پوشیدگان غیب رسوایی

به خدمت می‌دهد طوطی قبا‌ی فستقی آن‌گه  
که از منقار کلک تو درآموزد شکر خایی  
چه دارد طشت زرین آفتاب از بهر تو چون تو  
بدین نه کاسه پیروزه انگشتان نیالایی<sup>۵</sup>  
بنات فکر اگر نزن بهر مدحت جلوه کردند  
سترون خواست بودن مادر طبع از سخن زایی  
همی از تو بخندد دل که بس با زیب و فرهنگی  
همی بر تو بلرزد جان که بس بی عیب و همتایی  
تکلف کن بکن عیب از برای دفع چشم‌بد  
که در هر فن تو چونین<sup>۶</sup> کامل الحق هم به بینایی  
به جای کز تو و اسراف جود تو سخن رانم  
نه یسار یحیی برمک نه نام حاتم طایی  
ز جودت بحر می‌گوید که من دگان پیرازم  
که با این مایه نتوان کرد با دست تو در بایی<sup>۷</sup>  
هوا<sup>۸</sup> لطف دلت بر بود و عنبر خلق تو بستد  
صدف جود تو و پرداخت ماهی را چه فرمایی (؟)  
ایا صدری که در حصر معالی و معانیات  
خرد گردد سراسیمه شود اندیشه سودایی  
در این حضرت که از گردون شکایت‌گونه‌ای کردم  
خرد می‌گفت آن ساعت که اینک هرزه فرمایی  
فلک یارد چخیدن با کسی کش لطف مولانا  
نمی‌گوید که از جمع خواص حضرت مایی  
۱۱۰۵ چه نکبت دیدی از گردون که چونین ناپسند آمد؟  
چه محنت دیدی از دوران که چونین ناشکیبایی؟  
اگر اهل هنر هستند در تحت الثری از وی  
طبری در بسد<sup>۹</sup> از وی تو باری بر ثریایی  
نه چون خورشید پیوسته ازو با بدره زرّی؟  
نه چون کعبه همه‌ساله ازو در زیر دیبایی؟

۵. اصل: بی‌الایی.  
۶. اصل: خونین.  
۷. اصل: دریایی.  
۸. اصل: مرا.  
۹. کذا، بی‌نقطه.

۱. اصل: زادت.  
۲. وحید دستگردی: «حلم و از جود» و این ضبط درست‌تری است.  
۳. اصل: چنانکه.  
۴. اصل: بنقد.

۱۱۰۶ | تقاضا کردن از جود تو خود لحنیست<sup>۴</sup> ازین معنی  
چو تو ناخواسته بخشی چه محتاج تقاضایی؟  
\* تو خود دانی که خادم را غرض تشریف مولانا است  
از آن بر یکدگر بسته است چندین آیی و نایی<sup>۵</sup>  
\* همیشه تا کند باد خزان در باغ زردوزی  
همی تا ابر دی ماهی نماید سیم‌پالایی  
\* مبدا جزبه نامت سکه اندر دار ضرب شرع  
مبدا جز به یادت خطبه در اقلیم دانایی  
\* جهان مشغول در کارت به خود کاری و معماری  
فلک معزول در دورت ز خود کامی و خودرایی  
\* همه بر وفق کام تو مسیر اختر و انجم  
همه بر حسب رای تو مدار چرخ مینایی

۴۸. در قصیده‌ای به مطلع «ای تو را گاه کرم با هر کسی صد  
اصطناع/ وی تو را گاه بیان در هر سخن صد اختراع»  
(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۲۰۸؛ همو، ۱۳۱۰: ۹۳) پس از  
بیت:

شاد باش ای حاکمی کز عدل تو روباه‌لنگ  
شیر شیران می‌دهد مر بچه را گاه رضاع  
در آ (ص ۴۵) آمده است:  
سایه تدبیر خوب تو گرفتد بر فلک  
مر بنات‌النش را باشد چو پروین اجتماع

#### منابع

- جمال‌الدین اصفهانی (۱۳۱۰). دیوان محمد جمال‌الدین اصفهانی. به تصحیح ادیب نیشابوری. تهران: شرکت کانون کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۰). دیوان کامل استاد جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. تهران: سنائی.
- \_\_\_\_\_ . دیوان. دستنویس شماره ۱۰۳۱۲ کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، کتابت سده دهم.

۴. اصل: لحسب، بی نقطه.  
۵. اصل: آیی و نانی.

مگر از وی طمع داری کت اندر کیسه اندازد  
درست مغربی خویش [را] بر برج جوزایی  
تومی خواهی بدین دانش که پی بر اختران مالی  
تو می خواهی بدین بالا که سر بر آسمان سای  
تو بر این نقره خنگ چرخ زین از ماه نوبندی  
سوار چابکی الحق سواری سخت زیبایی  
نه چونان پرتو خورشید لطفش بر تومی تابد  
که بتوانی<sup>۱</sup> که بر رویش گل کفران بیندایی  
بحمدالله در این حضرت همه اغراض حاصل شد  
اگر مالی و جاهی بود و گر دینی و دنیایی<sup>۲</sup>  
مرا هم نام و هم نان است و هم شغل است و هم دولت  
خدای از من همی داند که شکر است این نه رعنایی  
ولیکن من ز جاه تو همی نازم نه از دولت  
که دولت زودسیر و دیرپیوند است [و] هر جایی  
معاذالله که من گویم که در عهد تو گردون را  
بود زهره که یارد کرد با ما زیر و بالای  
که پس مدرج بود یک نکته در ضمنش که آن معنی  
بدان مانند که تو با چرخ حاشا بر نمی آیی  
بلی این سنت شعر است و پندارنده هر شاعر  
که آن نقش است بر دیباجه تحریر گویایی  
در اسلوب است شاعر را به نزد عاقلان معفو  
شکایت کردن از گردون و از خود لاف پیمایی  
وز آن که «الاحسن<sup>۳</sup> الشعر اکذبه» گویند در مدحت  
نبیند کس دروغ ارچه بسی صنعت در افزایی  
ضرورت شد مرا از بهر تحسین قبیحی را  
دروغی اینقدر کای چرخ بهتر ز این همی بایی  
به استغفارش این گفته غرامت می‌کنم اینک  
که خاطر را همی قدر است در وسع توانایی

۱. اصل: بتوانی.  
۲. اصل: زیبایی و زیبایی.  
۳. اصل: کالحسن.